

موضوع: انتخاب های فاطمه علیها السلام ۲

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً.» [۱]

مقدمه

ایام و لیالی شهادت صدیقۀ طاهره، ام ابیها علیها السلام است. شخصیتی که در میان ائمه معصومین علیهم السلام از احترام خاص و ویژه ای برخوردار بود و باطن آیات تطهیر، نور و مباحله است همان که واسطۀ نبوت و امامت است. شخصیتی که به تعبیر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم همه افتخارها به او بر می گردد. خاتم الانبیاء پدر، خیرالاولیاء امیرالمؤمنین علیه السلام شوهر، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام «سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» فرزندان او هستند. [۲] حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که افتخار این امت است و همه انتظار او را می کشند فرزند آن حضرت است. بنابراین می بینیم که وجودی با برکت و خیر، و بی مانند است. همه افتخارات اسلامی به گونه ای به او ارتباط دارد. در این فرصت بحثی را می خواهم خدمت شما مطرح کنم که هم در زندگی آن حضرت نمایان بوده و هم برای ما مفید است؛ آن بحث انتخاب های حضرت زهرا است. الان در جهان دین های مسیحیت، یهودیت و اسلام حضور پررنگ دارند. در اسلام مذاهب شیعه و سنی و خود شیعه هم دارای شعبی نظیر: زیدیه، اسماعیلیه و امامیه است؛ اهل سنت نیز به لحاظ مذهبی به حنفی، مالکی، وهابیت، ماتریدی و... به لحاظ مذهبی تقسیم می گردد.

آدمی در زندگی اش با انتخاب های گوناگونی مانند دین، خانه، ماشین و همسر مواجهه است و حتی با رأی خود رئیس جمهور انتخاب می کند. اصلاً زندگی ما با انتخاب و گزینش پیوند ناگسستنی دارد. پیش از ورود به بحث انتخاب های حضرت زهرا، لازم است درباره انواع انتخاب مطالبی ارائه کنم.

انتخاب سه گونه است

۱. انتخاب سودجویانه

در این انتخاب چیزی یا کاری، چون دارای نفع شخصی است مورد پذیرش قرار می گیرد. در تاریخ داریم آدم هایی که به خاطر غنیمت و حقوقی که از جنگ بنا بود دریافت کنند، اسلام آورده اند.

کسانی که بعد از فتح مکه مسلمان شدند دیدند در جنگ ها غنیمت زیاد است و به همین جهت آمدند و مسلمان شدند. بنابراین افراد زیادی هستند که دین راحتی به خاطر غنیمت، شهرت و قدرت انتخاب می کنند.

مثلاً رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با تازه مسلمان ها سه سال در شعب ابی طالب بودند وقتی بیرون آمدند، جوانی خدمت ایشان آمد، گفت: یا رسول الله! من حاضرم نیرو در اختیارت بگذارم، کمک و یاریت کنم، من رئیس قبیله ام، حاضرم با همه قبیله ام مسلمان شوم. هر کجا که شما فرمان بدهید خدمت می کنیم و می جنگیم. حضرت فرمود: پیشنهاد خوبی است. مرد عرب گفت: آقا! یک شرط کوچک دارم. حضرت فرمودند: شرطت چیست؟ عرض کرد: یا رسول الله! شرطم این است که بعد از شما من جانشین و وصی تان باشم. حضرت فرمودند: نه؟ نمی خواهد. [۳] «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» شرط و شروط نمی خواهد. بنابراین در تاریخ زیاد دیده شده است که برخی حتی برای انتخاب خدا سود شخصی را دنبال می کنند.

۲. انتخاب از روی ترس

دسته دیگر کسانی اند که انتخابشان از روی ترس است. از ترس می گوید: حق با شماست. حسان بن ثابت شاعر مشهور زمان پیغمبر در غدیر آمد و گفت: حق با امیرالمؤمنین است، در این باره شعر هم گفت. هفتاد روز بعد در جریان سقیفه گفت: حق با ابوبکر است. در وصف ابوبکر شعر سرود. معلوم است که انتخاب او از روی ترس بوده است. عبدالله بن عمر آمد با حجاج بیعت کرد همه می دانستند حجاج آدم بسیار بدی است. عبدالله چون دید حجاج، عبدالله بن زبیر را اعدام کرد، ترسید که مبادا او را اعدام کند به همین جهت آمد و بیعت کرد. آدم هایی شب میان سپاه امام حسن علیه السلام بودند و صبح، در جمع سپاه معاویه کف می زدند. فرزندق شاعر معروف زمان امام حسین به امام عرض کرد: مردم قلب هایشان با شماست ولی به خاطر ترس از بنی امیه، شمشیرهایشان علیه شماست. شما را دوست دارند؛ ولی برای شما و در خدمت تان شمشیر نمی زنند. باید بدانیم که انتخاب از روی ترس و سودجویی ارزش معنوی و اسلامی ندارد.

۳. انتخاب آگاهانه

کلمه علم، بیش از ۷۵۰ مرتبه در قرآن کریم آمده است. پایان سوره یوسف که این آیه است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ»؛ [۴] پیغمبر، به مردم بگو هر چه می خواهید انتخاب کنید اما انتخاب هایتان از سر آگاهی باشد. کسی پیش پیغمبر آمد و گفت: من قرعه می اندازم، اگر خوب

آمد مسلمان می شوم والا نه. حضرت فرمود: نمی خواهد این گونه مسلمان شوی. با قرعه مسلمان شدن ارزشی ندارد برو تحقیق کن، پس از آگاهی بیا مسلمان شو!

بنده خدایی به نام صفوان بن امیر، خدمت پیغمبر آمد و گفت: یا رسول الله! دو ماه فرصت می خواهم مطالعه کنم، حضرت چهار ماه به او فرصت داد. اسلام، دین تحقیق و علماست. آغاز وحی با علم شروع شده: «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» [۵] انتخاب آگاهانه از روی فهم، درک و بصیرت باشد ارزش دارد. در اینکه چرا شیعه هستی؟ چرا شما نماز می خوانید، دلیل محکم باید داشته باشید. حال، هر کسی باید به اندازه فهم خودش در کارها و انتخاب هایش دلیل مناسب ارائه کند. اگر به ملاصدرا گفته شود: چرا خدا را قبول داری، ایشان برهان صدیقین و برهان فلسفی می آورد. به آن پیرزن می گویند: چرا خدا را قبول داری؟ در جواب: با چرخ نخ ریزی اش دلیل و برهان اقامه می کند. ملاصدرا و آن پیرزن هر دو درست می گویند، اما هر یک به اندازه فهم خودشان.

امام صادق علیه السلام فرمودند: همه شما در زندگی تان باید چهار علم داشته باشید؛ اگر این چهار معرفت را نداشته باشید، عالم نیستسد.

۱. «أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ؟» خدا را بشناسید.

حالا کشاورز به یک صورت، پیرزنی که چرخ نخ ریزی دارد به گونه ای دیگر، فیزیک دان هم طوری باید خدا را بشناسد. به دانشمندی گفتند: تو چگونه خداشناس شدی؟ گفت: من پزشکم، کنار دریا می رفتم، دیدم یک مرغ ماهی خوار پایش شکسته بود. آمد کنار دریا خوابید، پایش را در گِل رُس و گِل و لای ساحل فرو برد و قدری در آنجا نگه داشت تا دور پاهایش گل چسبید، بعد پاهایش را به سمت آفتاب گرفت تا خشک شود. خیلی راحت پاهایش را گِج گرفت. حالا برای شکستگی پای ما ارتوپد می خواهد، عکس می خواهد، آخرش هم کج یا کوتاه از کار در می آید. این شعور را چه کسی به این حیوان یاد داده است؟

لأنه زنبور در تهران، آسیا و اروپا شش ضلعی است. در تمام دنیا این زنبورها به یک صورت خانه می سازند. در زندگی جمعی این حیوانات، سیستم کار، سفیر، منشور و قرارداد وجود دارد. با همدیگر جلسه دارند. زنبور عسل اینجا با زنبور عسل آمریکا رابطه ندارد. این چه ارتباط و تبادل فکری است که همه به یک صورت خانه می سازند. «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا» [۶] خداوند متعال می فرماید: ما به این حیوان یاد دادیم.

در همهٔ عالم مورچه ها یک گونه درست می کنند. این چه دستی است! لذا امام صادق علیه السلام فرمود: باید از علم خداشناسی آگاه باشید.

۲. «أَنْ تُعْرِفَ مَا صَنَعَ بَكَ»، سفارش دیگر خودشناسی و آگاهی از خویشتن است، اینکه ما چه کسی هستیم؟ برای چه آفریده شده ایم؟ اینها را باید بدانیم.

تفاوت های زیادی بین ما و سایر موجودات وجود دارد، خدا می گوید: به حضرت آدم چیزی یاد دادیم که ملائکه نتوانستند آن را یاد بگیرند: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ» [۷]؛ ما به آدم ابوالبشر یک سری اسماء آموختیم. حالا تفسیر اسماء چیست؟ برای یک بحث تفسیری است و از حیطة این سخن خارج است. در حدیث داریم خدا به همهٔ انسان ها چهار گوهر داده، گوهری که سایر موجودات از آن محروم اند. این چهار صفت عبارتند از: «الْعَقْلُ، الدِّينُ، الْعَمَلُ الصَّالِحُ، الْحَيَاءُ» [۸] اگر آدم عقل نداشته باشد بیچاره است و یا اگر عقل داشته باشد ولی نتواند آن را به کار ببندد باز تیره بختی را به دنبال دارد.

خداوند به همهٔ شما چهار گوهر داده است. یکی عقل و دیگری دین است. داشتن دین خودش هنر و ارزش است. اما دیگری عمل صالح است، نشستن پای سخنرانی، رفتن به مسجد و جلسهٔ روضه، احداث بناهای خیر و...

یکی هم «حیاء» است، شما سوره نحل را نگاه کنید! در آنجا خدا ۴۰ نعمت را نام برده است. اولین نعمت این است: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا» [۹] وقتی از شکم مادر بیرون آمدید چه می دانستید؟ نمی توانستی چیزی را بگیری و بخوری و جایی بروی و هیچ چیز نمی دانستی.

فراموش نکرد ایزد در آن حال *** که بودی نطفه ای مدفون و مدهوش

روانت داد و طبع و عقل و ادراک *** جمال و رأی و نطق و فکرت و هوش

ده انگشت مرتب کرد بر کف *** دو بازویت مرکب ساخت بر دوش

کنون پنداری ای ناچیز همت *** که خواهد کردنت روزی فراموش

بنابراین باید بدانیم که خداوند در شکم مادر به ما شعور، عقل، فهم و چشم داده است.

۳. «أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ» اینکه بدانیم خداوند از ما چه انتظاری دارد و وظیفه ما چیست. آدم در مقابل کشور، نظام، معروف و منکر وظیفه دارد و نمی تواند بی تفاوت باشد چه برسد اینکه در برابر وجود خودش.

۴. «أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ» [۱۰] اینکه هر فردی باید بداند چه چیزی او را از دین خارج می کند (آفت شناسی - حدیثی) را که خواندم آن را در جریان زندگی حضرت زهرا بررسی می کنیم تا ببینیم آن حضرت این چهار معرفت را چگونه در زندگی نورانی خود پیاده کرده است.

خداشناسی فاطمه زهرا

خداشناسی و ارتباط با معنویات حضرت زهرا بسیار شگفت آور بوده است. نوشته اند: پیش پدر بزرگوارش نشسته بود که جبرئیل آمد. پیغمبر دقایقی با جبرئیل صحبت کرد. پس از آن رو به فاطمه کرد و فرمود: دخترم! می دانی جبرئیل چه می گوید؟ پیامبر در ادامه می فرمود: جبرئیل می فرماید: خدا سلام به تو رسانده و فرمود: به فاطمه بگویند که هر حاجتی دارد از من درخواست کند. هر چه می خواهد بگوید، حضرت زهرا یک مقداری فکر کرد، سرش را بالا آورد و عرض کرد: «یا رسول الله لا حاجة لی غیر النظر الی وجهه الکریم»؛ هیچ حاجتی ندارم جز اینکه توجهم به خدا بیشتر شود. [۱۱] فاطمه از خداوند حضور قلب درخواست کرد. خداشناسی حضرت زهرا منجر به این درخواست گردید.

این آیه عذاب بر پیغمبر نازل شد: «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ * لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ» [۱۲] جهنم هفت در دارد که در انتظار گناهکاران است. معلوم است از هر دری چه گروهی باید وارد شوند. یک در، مال کافر، یک در، مال منافق، هر یک از دری وارد جهنم می گردند. پیغمبر پس از شنیدن این آیه قدری گریه کرد و ناله و ضجه زد که گفته شد دنبال حضرت زهرا بفرستید تا بیاید، بلکه پیغمبر آرام گردد. رفتند حضرت زهرا را آوردند، فاطمه ای که هر وقت می آمد بابای بزرگوارش شاد می شد. وقتی ایشان آمدند، سؤال کرد، بابا چه شده؟ حضرت رسول فرمودند: دخترم! آیه عذاب نازل شده است. زهرای مرضیه فرمودند: می شود آیه را بخوانید؟ حضرت آیه را قرائت فرمودند. حضرت زهرا پس از شنیدن آیه به قدری گریه کرد که نوشته اند در پی آن از حال رفت و روی زمین افتاد. [۱۳] حضرت علی رسید، پرسیده چه شده است؟ گفتند: آیه عذاب نازل شده و آیه قرائت شد. یک باره جلسه تبدیل به عزا شد. حضرت علی وقتی آیه را شنید، فرمود: ای کاش از مادر متولد نمی شدم و این آیه را نمی شنیدم!

صد بار ممکن است من و شما این آیه را بشنویم و هیچ اتفاقی برآیمان نیفتد. مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) - صاحب مفاتیح الجنان نوشته بود در حال خواندن سوره یس بود. دخترش می گوید: دیدم پدرم در حال خواندن این سوره از حال رفت، متوجه شدم به این آیه که: «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» رسیده این گونه متأثر شده است. [۱۴]

هر قدر ارتباط انسان با خدا قوی شود مصونیتش از گناه بیشتر می گردد. نماز اول وقت، دائم الوضو بودن، نماز شب به انسان مصونیت و نورانیت می دهد. قرآن خواندن ولو روزی یک آیه اگر مستمر باشد نیز دارای اثر فراوانی است.

رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود *** رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

گفت شنیدم رهروی در سرزمینی همی گفتا معما با قرینی

که ای صوفی شراب آنکه شود صاف که در شیشه بماند اربعینی

شما چهل روز خودتان را مقید کنید که هر صبح دو آیه از قرآن را بخوانید عادت می کنید. چهل روز به خودت نماز اول وقت را عادت بده، دروغ نگو، نگاه به نامحرم را ترک کن، در جواب این سخنان معمولاً گفته می شود که ما نمی توانیم.

مگر فضیل با یک عمر راهزنی با شنیدن یک آیه عوض نشد و تغییر نکرد! مگر «حرّ» در طی چند دقیقه تغییر نکرد! ما از این نمونه ها زیاد داریم.

یکی از ویژگی های زندگی حضرت زهرا این بود که به تمام معنا فانی در خدا بود. لذا وقتی در محراب می ایستاد «زَهْرَ نُورِهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ»؛ [۱۵] نور نمازش در آسمان ها می پیچید. سلمان یک روز خانه حضرت زهرا آمد، دید که ایشان در خانه ای کوچک با لباسی ساده زندگی را سپری می کند، ناراحت شد. می دانید سلمان با حضرت زهرا علیها السلام و خاندانش ارتباط داشت، اباذر هم این گونه بود. خانواده اباذر نیز با خاندان حضرت زهرا ارتباط و رفت و آمد داشتند. خیلی ناراحت شد از اینکه دید حضرت زهرا در اوج فقر زندگی می کند. بلند شد آمد خدمت پیغمبر، تا وضعیت را گزارش کند. عرض کرد: یا رسول الله! رفتم خانه فاطمه سری بزنم، دیدم خیلی وضع اقتصادی شان خراب است، طاقت نیاوردم. پیغمبر لبخندی زد، فرمود: «إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ

جَوَارِحَهَا إِيْمَانًا وَ يَقِيْنًا»؛ [۱۶] دخترم فاطمه، تمام وجودش مملو از ایمان است. به این چیزها فکر نمی کند.

عبدالرحمن بن عوف که ثروت زیادی داشت، به خواستگاری حضرت زهرا آمد و گفت: من ده هزار درهم مهریه قرار می دهم. پیغمبر دست برد زیر خاک، و بالا آورد،

خاک یا شن بود فرمود: من اگر اراده کنم اینها طلا می شوند. [۱۷] کسی که با اراده اش می تواند سنگ را طلا کند کثرت مهریه برایش مهم است؟

امیرالمؤمنین به ظاهر وضع مالی مساعدی نداشت؛ اما دنیایی از معرفت بود. پیروان زهرا مرضیه! ایشان فقط گریه کن نمی خواهند، الگوپذیر می خواهند. الگو از نماز اول وقت، عبادت، حیا، عفت و زندگی ساده این عزیزه خدا.

این قدر ازدواج ها را سنگین نگیرید! شرایط را برای جوان ها مشکل نکنید، تجملات زندگی را زیاد نکنید. تجمل گرایی در بین ما زیاد شده، فکر می کنید چه کسی مقصر است؟ کاری ندارم و دنبال مقصر نمی گردم اما وظیفه ماست که دنبال راه حل بگردیم. جوان ها واقعاً از این مهریه های سنگین الان می ترسند که ازدواج کنند. کسی که می خواهد دخترش را شوهر دهد، خودش را بگذارد جای کسی که خواستگاری آمده، و کسی که می خواهد عروس به خانه اش بیاید فرض کند خودش صاحب دختر است و می خواهد جهیزیه بدهد. بسیاری از این جهیزیه ها تا آخر عمر هم استفاده نمی شود. چرا یک خانواده زیر بار جهیزیه سنگین فلج شود و وام های سنگین بگیرد. ببینید! قرآن به «امر به معروف و نهی از منکر» دعوت می کند. اگر نهی از منکر و امر به معروف صورت نگیرد، منکر ریشه کن نمی شود. شما اگر نهی از منکر و امر به معروف صورت نگیرد، منکر ریشه کن نمی شود. شما اگر بیست محصل درس خوان در کلاس به وجود آوردید آن وقت درس نخوان های کلاس خجالت می کشند؛ اما اگر همه نمره صفر بیاورند، نمی توانید کسی را سرزنش کنید. اگر درس خوان ها زیاد شد درس نخوان ها خجالت می کشند.

شما روحیه کار و کارگری را زیاد کنید بیکاره ها خجالت می کشند. شما زمینه ازدواج جوان ها را فراهم کنید، خود به خود فساد کم می شود.

وظیفه شناسی

حضرت زهرا می توانست میان خانه بنشیند، اما چرا حرکت کرد؟ چرا دفاع کرد و خطبه خواند؟ چرا افشاگری کرد؟ اسلام بهترین نگاه را به زن دارد. این را من از روی تعصب نمی گویم. در

سفرهای تبلیغی که به بعضی از کشورهای اروپایی رفتیم به وضوح دیدم که نگاه به زن، ابزاری است. در آنجا تلویزیون یکی، دو تا، یا پنج تا زن را پیش از آگهی های تبلیغاتی می آورند. از این آیه نگاه اسلام را به زن می توان فهمید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ». [۱۸] در قرآن کریم دو سوره «نساء و مریم» به نام زنان نام گذاری شده است. نزدیک شش زن، مستقیم و غیر مستقیم اسمشان در قرآن آمده و به نیکی از برخی از آنها یاد شده است.

زن های مدینه پیش اسماء بنت عمیس رفتند، گفتند: تو برو به رسول الله بگو آیا اسلام در قرآن بین زن و مرد فرق گذاشته است؟ بعضی ها می گویند، قرآن مردسالار است و بین زن و مرد فرق گذاشته است، آیا واقعاً اینگونه است؟ اسماء بنت عمیس پیش رسول خدا آمد و گفت: یا رسول الله! خانم ها از من چنین سؤالی کرده اند؟ پیغمبر قدری صبر کردند، وحی آمد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...» [۱۹] خداوند در این آیه ده صفت صبر، خشوع، خضوع، نماز، صدقه و... را برای مرد و زن به طور مساوی نسبت داده است. دانسته می شود که بین زن و مرد در وجود، تفاوت و در حقوق، تساوی وجود دارد. این بالاترین پیام قرآن به جامعه بشریت است.

روضة

شب جمعه است، شب زیارتی قبر اباعبدالله ایام هم ایام فاطمیه است، کنار حرم کریمه اهل بیت فاطمه معصومه قرار داریم. خانم حضرت زهرا! ما که از محل قبر شما خبر نداریم، ولی این گونه برایمان نقل کرده اند: اگر نتوانستید قبر زهرا را مرضیه را زیارت کنید، بروید زیارت فاطمه دوم در قم. بی بی جان! امروز از کنار قبر شما این دل ها را روانه مدینه می کنیم، نمی دانم مثل این ایام قبر حضرت زهرا، زائری داشت یا خیر؟ اما چیزی که می توانم به شما اطمینان بدهم، این است که مرتب یک زائر داشت آن هم امیرالمؤمنین بود. او زائر شبانه بود. او زائر شبانه بود نه زائر روز، چون در روز نمی توانست کنار قبر عزیزش بیاید. شب ها که بچه ها خواب می رفتند بلند می شد، آهسته آهسته می آمد کنار قبر فاطمه:

«حَبِيبٌ لِّئْسَ يَعْدِلُهُ حَبِيبٌ وَ مَا لِسِوَاهُ فِي قَلْبِي نَصِيبٌ»

حَبِيبٌ غَابَ عَنِ عَيْنِي وَ جِسْمِي وَ عَنِ قَلْبِي حَبِيبِي لَا يَغِيبُ» [۲۰]

دوباره شب شد و ظلمت برآمد کنار قبر زهرا حیدر آمد

بخواب آرام، ای پهلوی شکسته علی بالین قبر تو نشسته

بخواب آرام، ای نور دو عینم که من شب ها پرستار حسینم

فاطمه جان! هر وقت صدایت می زدم، می گفتی: «یابن عم»؛ پسر عمو. اما دیگر جواب علی را نمی دهی؛

«مَا لِي وَقَفْتُ عَلَى الْقُبُورِ مُسَلِّمًا قَبْرَ الْحَبِيبِ فَلَمْ يَرُدَّ جَوَابِي» [۲۱]

فاطمه جان!

خیز و از داغ غم رهایم کن خیز و باز ابن عم صدایم کن

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

[۱]. احزاب، ۷۰.

[۲]. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: يَا فَاطِمَةُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ أُعْطِينَا سَبْعَ خِصَالٍ لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ قَبْلَنَا وَلَا يُدْرِكُهَا أَحَدٌ مِنَ الْآخِرِينَ بَعْدَنَا نَبِيُّنَا خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ وَهُوَ أَبُوكَ وَوَصِيُّنَا خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَهُوَ بَعْلُكَ وَشَهِيدُنَا سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ وَهُوَ حَمْرَةُ عَمِّ أَبِيكَ وَمِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ وَهُوَ جَعْفَرٌ وَمِنَّا سِبْطًا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُمَا ابْنَاكَ (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۸).

[۳]. سیره ابن هشام ۶۶ / ۲ به نقل از اخلاق از نظر همزیستی، محمد تقی فلسفی.

[۴]. یوسف، ۱۰۸.

[۵]. علق، ۳-۴.

[۶]. نحل، ۶۸.

[۷]. بقره، ۳۱.

[۸]. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أَرْبَعَةٌ جَوَاهِرُ تَزِيلُهَا أَرْبَعَةٌ: أَمَّا الْجَوَاهِرُ فَالْعَقْلُ، وَالدِّينُ، وَ الْحَيَاءُ، وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ؛ أَمَّا الْغَضَبُ فَيَزِيلُ الْعَقْلَ، وَأَمَّا الْحَسَدُ فَيَزِيلُ الدِّينَ، وَ أَمَّا الطَّمَعُ فَيَزِيلُ الْحَيَاءَ، وَ أَمَّا الْغِيْبَةُ فَيَزِيلُ الْعَمَلَ الصَّالِحَ (مواعظ العددیه، ص ۳۳۲).

[۹]. نحل، ۷۸.

[۱۰]. قال الصادق عليه السلام: وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُ فِي أَرْبَعٍ، أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَالثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَالثَّالِثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَالرَّابِعُ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ (كافی، ج ۱، ص ۵۰).

[۱۱]. ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۰۵.

[۱۲]. حجر، ۴۴ - ۴۳.

- [۱۳]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۷.
- [۱۴]. سیمای فرزندگان، ص ۱۲۷.
- [۱۵]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.
- [۱۶]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۶.
- [۱۷]. زندگی زهرا، ص ۳۵؛ به نقل از ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۴۵.
- [۱۸]. تحریم، ۱۱.
- [۱۹]. احزاب، ۳۵.
- [۲۰]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۷.
- [۲۱]. همان.